[وجه غضب در دیدگاه ابن کثیر]

و اما اصل محاکمه:

[وجه غضب در دیدگاه ابن کثیر]

> **وأما تغضب فاطمة رضی الله عنها وأرضاها علی أبی بکر رضی الله عنه وأرضاه فما أدری ما وجهه؟**

من نمی دانم علت غضب نمودن فاطمه بر ابوبکر چه بود؟

[وجه اول: منع از میراث]

> **فان كان لمنعه إياها ما سألته من الميراث فقد اعتذر اليها بعذر يجب قبوله وهو ما رواه عن أبيها رسول الله أنه قال لا نورث ما تركنا صدقة وهی ممن تنقاد لنص الشارع الذی خفی عليها قبل سؤالها الميراث كما خفی علی أزواج النبی حتی أخبرتهن عائشة بذلك ووافقنها عليه وليس يظن بفاطمة رضی الله عنها أنها اتهمت الصديق رضی الله عنه فيما أخبرها به حاشاها وحاشاه من ذلك**
>
> **كيف وقد وافقه علی رواية هذا الحديث عمر بن الخطاب وعثمان بن عفان وعلی بن أبی طالب والعباس بن عبد المطلب وعبد الرحمن ابن عوف وطلحة بن عبيد الله والزبير بن العوام وسعد بن ابی وقاص وأبو هريرة وعائشة رضی الله عنهم أجمعين كما سنبينه قريبا ولو تفرد بروايته الصديق رضی الله عنه لوجب علی**

> جمیع أهل الأرض قبول روایته والانقیاد له فی ذلك

زیرا اگر به جهت این بود که ابوبکر او را از ارث پدری محروم کرده است، (وجهی ندارد) چرا که ابوبکر عذری آورد که قبولش لازم است: او از رسول خدا روایت کرد که:(ما پیامبران از خود ارثی نمیگذاریم و آنچه از اموال ما باقی میماند، صدقه است) در حالیکه فاطمه تابع روایتی است که قبل از درخواست ارث بر او مخفی مانده بوده . و احتمال این نمیرود که فاطمه ابوبکر صدیق را در نقل حدیث متهم بداند ، و چگونه میتواند ابوبکر را تکذیب کند؟ در حالیکه این حدیث را کسانی غیر از ابوبکر مثل عمربن خطاب و عثمان و علی و عباس و عبد الرحمن و طلحه و زبیر و سعد و ابوهریره و عائشه نیز نقل کرده اند.و حتی اگر تنها ناقل آن ابوبکر بود نیز بر تمام اهل کره زمین تصدیق او واجب بود!

[وجه دوم: در ّنظارت امیرالمؤمنین بر صدقات]

> وإن كان غضبها لأجل ما سألت الصديق إذ كانت هذه الأراضي صدقة لا ميراثا أن يكون زوجها ينظر فيها فقد اعتذر بما حاصله أنه لما كان خليفة رسول الله صلى الله عليه وسلم فهو يرى أن فرضا عليه أن يعمل بما كان يعمله رسول الله صلى الله عليه وسلم ويلي ما كان يليه رسول الله ولهذا قال وإني والله لا أدع امرا كان يصنعه فيه رسول الله صلى الله عليه وسلم إلا صنعته قال فهجرته فاطمة فلم تكلمه حتى ماتت

و اگر غضب فاطمه به این خاطر بود که وقتی فهمید این زمینها صدقه است نه ارث، میخواست شوهرش متولی و ناظر بر مصرف صدقات باشد، (وابوبکر قبول نکرد)، باز جای غضب نبود؛ چرا که ابوبکر این عذر را آورد که : چون من جانشین رسول خدا هستم، بر خود لازم میدانم که عهده دار صدقات حضرت باشم و همانگونه عمل کنم که او عمل میفرمود.لذا سوگند یاد کرد که هر کاری را که رسول خدا درباره صدقات انجام میداد به همان نحو انجام دهد.

ولی با این حال (یعنی با اینکه قهر دو جهت بیشتر نمیتواند داشته باشد و هر دو هم مقبول نبود) فاطمه با او قهر کرد و تا زنده بود با او سخن نگفت

> **وهذا الهجران والحالة هذه فتح على الفرقة الرافضة شرا عريضا وجهلا طويلا وأدخلوا أنفسهم بسببه فيما لا يعنيهم ولو تفهموا الأمور على ما هي عليه لعرفوا للصديق فضله وقبلوا منه عذره الذي يجب على كل أحد قبوله ولكنهم طائفة مخذولة وفرقة مرذولة يتمسكون بالمتشابه ويتركون الأمور المحكمة المقدرة عند أئمة الاسلام من الصحابة والتابعين فمن بعدهم من العلماء المعتبرين في سائر الأعصار والأمصار رضي الله عنهم وأرضاهم أجمعين بيان رواية الجماعة لما رواه الصديق وموافقتهم على ذلك[1]**

و این قضیه دستاویزی مغتنم برای طائفه رافضی ها (شیعه) و بهانه ای برای شر به پا کردن و در جهل طولانی غوطه ور شدن گردید! در حالیکه اگر حقیقت امر را درست درک میکردند، به فضیلت ابوبکر صدیق معترف شده و عذر او را میپذیرفتند، چنانکه تمام صحابه و تابعین و علمای اعصار بعدی روایت ابوبکر را پذیرفته و با او موافقت کردند، ولی چه کنیم که رافضی ها گروهی پست و رذل هستند که متشابهات را گرفته و محکمات را رها میکنند.(منظور ابن کثیر از محکمات راستگوئی ابوبکر، و از متشابهات قهر حضرت فاطمه میباشد!) »

> **.... ولكن لما حصل من فاطمة رضي الله عنها عتب على الصديق بسبب ما كانت متوهمة من أنها تستحق ميراث رسول الله ولم تعلم بما أخبرها به الصديق .... فحصل لها وهي امرأة من البشر ليست بواجبة العصمة عتب وتغضب ولم تكلم الصديق حتى ماتت[2]**

« عتاب فاطمه بر ابوبکر به خاطر این بود که خیال میکرد استحقاق ارث بردن از پیامبر دارد و نمیدانست روایتی را که ابوبکر نقل میکرد .... پس ناراحت شد و بر ابوبکر عتاب کرد و تا زنده بود با او سخن نگفت ، در حالی که او هم زنی مثل سایر زنها است و معصوم نیست ».

> **فتغضبت فاطمة رضي الله عنها عليه في ذلك ووجدت في نفسها بعض الموجدة ولم يكن لها ذلك[3].**

> « پس فاطمه در این مسأله بر ابوبکر غضب کرد و ناراحت شد ولی چنین حقی نداشت».

---

[1] البداية والنهاية، ج۵، ص۲۸۶ و ط احیاء التراث، ج ۵، ص ۳۰۷-۳۰۸

[2] البداية والنهاية، ج ۵، ص۲۴۸ و ط احیاء التراث، ج ۵، ص ۲۷۰

[3] البداية والنهاية ط احیاء التراث ، ج ۴، ص ۲۳۱

بازبینی #2
ایجاد شده 24 فوریه 2025 16:22:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 فوریه 2025 16:26:50 توسط ... .